



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۹/۱۴

عبدالجليل جميلی

کربلا از نگاه واقعیت

با تقدیم سلام به همه هموطنان ارجمندیکه با نشر مقاله مورخ اول سپتمبر ۲۰۱۹ دوکتور اسد بودا توسط آقای نجیب الله تحت عنوان

جنگ یزید و حسین، نه یک جنگ مقدس و رهایی بخش، بلکه جنگ برادران ناراضی بر تقسیم قدرت است !

و سوالات زیادی را در ویبسایت وزین افغان جرمن آنلاين مطرح کرده اند. عجالتاً بدینوسیله آن دو مضمون نسبتاً پر محتوایی را از آرشف نشرلتی شخصی ام بدسترس دوستان قرار می دهم که شخصاً خودم هم در طی همه مراتب تا نشر این دو متن کوچکترین رول و مداخله نداشته ام :

قریب الله مطیع - سنی نیوز ۱۱ / ۸ / ۲۰۱۴ یزید از نظراهل سنت

و فعلا متن - سنی نیوز 11/7/2014 د. محسن پناهنده

تهران کربلا از نگاه واقعیت

چرا حادثه خونین کربلا همه ساله نمادی از وحشیگری و خونریزی گروه های از مسلمانان شده است؟! چرا تنها این نقطه دردناک تاریخ هر ساله داغتر و پر رونق تر می شود؟! در گوشه و کنار جهان بخصوص در کشورهای که شیعه در اقلیت است از انفجارهایی در میان کاروانهای عزادار کربلا که خود را با زنجیر و قمه می زنند می شنویم در حالیکه در همین کشورها روزانه مراسم شلوغ تری برپا می شود بدون اینکه خونی ریخته گردد، چه کسی از این خونها بهره می برد؟!

چرا تنها حادثه کربلا چنین پر دردسر و با بوی خون باید هر ساله تکرار گردد در حالیکه تاریخ پر است از کربلاها؟! نه وفات پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) که سرور عالمیان بود، و نه شهادت حضرت علی (رضی الله

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

عنه) که خود شیعه بر افضلیت ایشان بر فرزندشان اتفاق نظر دارند، و نه وفات حضرت حسن (رضی الله عنه) که بنا به روایت شیعه به شهادت رسید، و نه جنگ صفین که بین حضرت علی (رضی الله عنه)؛ پدر برومند حسین با پدر یزید در گرفت و به مراتب کشته‌هایی بیشتر بر جای گذاشت .. و نه کربلاهایی که هر روز در عراق و سوریه توسط رژیم فاشیست این دو کشور با همیاری استعمارگران صورت می‌گیرد هیچ یک چون حادثه تاریخی کربلا همه ساله با خون و خونریزی آبیاری نمی‌شود!..

مگر حمزه عموی پیامبر شاخصترین شهید دوران نبوت نبود، شخصی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) چون جسد تکه پاره شده و غرق در خونش را دید فرمودند: هیچ مصیبتی مانند مصیبت تو نخواهم دید. چرا سالروز شهادت حمزه خاموش است؟! چرا خود حسین (رضی الله عنه) که 21 سال پس از شهادت پدر بزرگوارشان زیست چنین به داغ پدر جامه ندرید و سینه چاک نکرد؟! مگر خود امام حسین (رضی الله عنه) به خواهرش زینب پیش از شهادت در میدان کربلا نفرمودند: تو را به خداوند سوگند می‌دهم که در داغ من پیرهن پاره نکنی، و صورتت را چنگ نزنی، و داد و فریاد براه نیندازی...؟! حال چه چیزی شیعیان امروزی را کاسه داغتر از آش نموده؟! با نگاهی گذرا بر تاریخ می‌توان چنین دریافت که حادثه کربلا یک جنبش سازنده سیاسی ناکام بیش نبود؛

مردم عراق از اینکه مرکز قدرت پس از به شهادت رسیدن حضرت علی (رضی الله عنه) از نزد آنها به شام منتقل شده بود، و فرصت بدست آوردن مناصب اداری و قدرت از اهل کوفه سلب شده بود بسیار ناراحت و خشمگین بودند. قریب به اتفاق شخصیت‌های بزرگ آن زمان که حوادث خونین جنگ‌های جمل و صفین، و اصلاحات عمرانی، و پیشرفتهای سیاسی و رشد اقتصادی و رفاه اجتماعی دوران امنیت حکومت معاویه رضی الله عنه را تجربه کرده بودند، با وجود عدم رضایت به ولایت یزید، بین دو مسأله اعتراض و شورش که نتیجه‌ای جز خونریزی و در نهایت ناکامی نداشت و سکوت، دومی را اختیار نمودند، تا در سایه امنیت اولاً جهان اسلام رشد کند، و ثانیاً بتوانند پیام و رسالت اسلام را به سرزمینهای دیگری برسانند، و در عین حال تلاش کنند مسیر حکومتداری را بار دگر به شیوه شورای اسلامی برگردانند.

برخی دیگر از جوانان غیور و کم تجربه اعتراض شدید خود را با این منش سیاسی بشدت ابراز داشتند. خبریه شیعیان جاه طلب و مکار کوفه رسید که حسین رضی الله عنه برخلاف برادر بزرگش حسن رضی الله عنه که پیش از آن نه تنها با معاویه برای برقراری امنیت در جامعه اسلامی صلح نموده بود بلکه به نفع او از خلافت کناره‌گیری کرد، بشدت از انتخاب یزید آشفته شده اعتراض خود را علناً ابراز میکند.

شیعیان جاه طلب کوفه که خود با حکومت یزید بیعت کرده بودند، چون از اعتراض حسین مطلع شدند خواستند از این نارضایتی حسین به عنوان شاخص ترین شخصیت محبوب جامعه اسلامی استفاده ابزاری برند.

با این سوژه تبلیغاتی سران جاه طلب قبائل کوفه توانستند مردم را قانع کرده نامه‌هایی برای امام حسین نوشته از راه دور با ایشان بیعت کنند. روایتهای تاریخی از رسیدن 500 نامه همراه با امضاء و بیعت 12000 جنگجو با ایشان سخن می‌گوید.

حسین در مقابل امر واقع قرار گرفته بود و با وجود اینکه سایر صحابه با خروجشان مخالفت کردند، تصمیم گرفت روانه کوفه شود. برادرشان محمد، و پسر عمویشان عبدالله بن عباس، و دوست عزیزشان عبدالله بن عمر از جمله افرادی بودند که تلاشهای زیادی بخرج دادند تا ایشان را از رفتن به کوفه منصرف سازند.

آنها امضاها و بیعت‌های اهل کوفه را طرفندی سیاسی و حیل‌های برای رسیدن به قدرت می‌دانستند. و به ایشان می‌گفتند اگر واقعا اهل کوفه راست می‌گویند و 12 هزار جان بر کف دارند، پس استنادار یزید را از شهرشان برانند و قدرت را بدست گیرند سپس شما را بدانجا بخواهند. نه اینکه خود زیر پرچم یزید با حکومت وقت بیعت نموده به وضعیت موجود سر خم کرده شما را دعوت کنند وارد شهری شوید که استنادارش از سوی شام انتخاب شده است!

و به ایشان یک نقشه سیاسی منطقی پیشنهاد کردند؛ شما بجای نزدیک شدن به پایتخت بروید به یمن و از مرکز فاصله بگیرید، سپس به اطراف جهان اسلام نامه بنویسید و مردم را بر علیه حکومت یزید بشورانید، پس از آنکه قدرتی بدست گرفتید و ارتشی برپا نمودید بمصاف یزید بروید، نه اینکه فریب همان شیعیان فتنه افروز کوفه را بخورید که دیروز به پدر بزرگوارتان خیانت کردند!

تقدیر الهی بر این رفت که امام حسین مسیرش را ادامه دهد، و کوفیان جاه طلب با فرماتده مکار کوفه عبیدالله بن زیاد ساخت و باخت کرده حسین و یارانش را در کربلا به شهادت برسانند.

آخرین فردی که در این معرکه نابرابرانه که 72 تن در مقابل 5000 نیرو صف آرایی کرده بودند به شهادت رسید خود حسین بود که سربازان دشمن که ساعتی پیش پشت سر او نماز گذارده بودند از ننگ ریختن خون فرزند رسول الله (صلی الله علیه و سلم) هراس داشته از رو برو شدن با ایشان تفره می‌رفتند. در این معرکه جز حسین رضی الله عنه، برا درانش جعفر، عباس، ابوبکر، محمد، عثمان، و در روایاتی عمر نیز به شهادت رسیدند، و همچنین از فرزندانش عبدالله و علی اکبر - و در روایاتی عمر - و از برادرزاده‌هایش فرزندان حسن رضی الله عنه؛ عبدالله، قاسم و ابوبکر - و در روایاتی عمر و طلحه - و از پسر عموهایش؛ جعفر و عبدالله و عبدالرحمن فرزندان عقیل، و همچنین عون و محمد از فرزندان عبدالله فرزند جعفر، و عبدالله فرزند مسلم بن عقیل - که خود در کوفه شهید شده بود - به شهادت رسیدند.

چون در ضمن این شهیدان گمنام نامهای عمر و ابوبکر و عثمان از فرزندان علی، و حسین و حسن آمده، شیعه جز از حسین از هیچ یک سخنی بمیان نمی آورد. آیا خون سایر فرزندان حضرت علی و خود جگر گوشه های حسین رضی الله عنه فاقد ارزش است؟! یا اینکه مافیا و باندهایی که از سر و صدای کربلا نان می خورند، راهزنانی که عزاداری بهترین درآمد برای آنهاست، ساختن مزارها و امام زاده ها را شیوه مثالی کسب درآمد می دانند، با این مزخرفات و خزعبلات می خواهند با احساسات مردم جاهل و نادان بازی کرده اموالشان را به تاراج برند.

حادثه کربلا از واقعیت خود به عنوان یک جنبش سیاسی اصلاحگرایانه همراه با درسهای عمیق سیاسی و سازنده منحرف شده افرادی راهزن و دزد جاه طلب و مال پرست پوستینی زمخت از مزخرفات بدور آنها پیچیده اند تا مردم بیچاره را بچاپند.

کی آید زمانی که ملت ما چشم و گوششان را وا کنند و حقیقت را دریابند!؟